

تفاوت‌های زیست‌محیطی و ساختار شهری فسطاط و قاهره

آرمین دخت امین^۱

فاطمه جان احمدی^۲

رضا شعبانی^۳

چکیده: فسطاط نخستین پایتخت اسلامی مصر است که در فاصله سال‌های ۱۷ تا ۲۰ هجری در کنار باب الیون (بابلیون) با افزاشه شدن چادرهای نظامیان فاتح مصر بنا نهاده شد. این کهن‌شهر اسلامی که ماهیت نظامی آن تا سالیان متمادی بر ساختارهای شهری‌اش سایه افکنده بود، به‌عنوان نخستین شهر اسلامی مصر مقرر دارالحکومه و دارالاماره امرای مسلمان شد. تعجیل در انتخاب محل ساخت شهر و نیز ناآشنایی فاتحان مسلمان با فنون شهرسازی موجب شد تا فسطاط نتواند به‌عنوان شهری پایدار در تاریخ مصر مطرح شود، زیرا پس از ساخت قاهره معزیه در فاصله سال‌های ۳۵۸-۳۶۲ ق. به‌سرعت در شکوه آن مستحیل شد و به‌صورت یکی از محلات قدیم مصر در کنار پایتخت نوین فاطمیان به حیات خود ادامه داد. اینکه چرا فسطاط نتوانست در برابر قاهره معزیه موقعیت شهری خود را حفظ نماید به عوامل متعددی بسته است، اما عوامل ناکارآمدی زیست‌محیطی و عدم اتقان فضای کالبدی یا ساختار شهری آن موضوعی است که از حیطه پژوهش‌های متأخر بازمانده است. آنچه مقرر است این پژوهش متکی بر روش توصیفی با گردآوری اطلاعات از منابع تاریخی با روش تحلیلی استنتاجی به یافتن پاسخ آن نائل آید، طرح پرسش اصلی این است که علل تفاوت‌های زیست‌محیطی دو شهر فسطاط و قاهره معزیه به‌عنوان دو پایتخت همجوار در چیست؟ دستاورد پژوهش نشان داد که علت تفاوت‌های زیست‌محیطی و بدی اقلیم و آب‌وهوای نامناسب و بیماری خیز فسطاط در موقعیت جغرافیایی و فضای کالبدی نامناسب آن ناشی از برخی عوامل ثابت و متغیر بوده است که در نهایت به مانایی قاهره پایتخت خلافت شیعی فاطمیان و به تزلزل و ناکارآمدی فسطاط به‌عنوان شهری دائمی و مستحیل شدن آن در جغرافیای کلاشهر قاهره انجامید.

واژه‌های کلیدی: قاهره المعزیه، فسطاط، کوه المَقَطَم، پایتخت فاطمیان، محیط زیست

۱ دانشجوی دکتری تاریخ اسلام، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران. Amin228@ ymail. Com

۲ دانشیار گروه تاریخ دانشگاه تربیت مدرس (نویسنده مسئول). F.janahmadi@modares.ac.ir

۳ استاد دانشگاه شهید بهشتی . shabani@yahoo.com

تاریخ تأیید: ۹۶/۰۵/۰۷

تاریخ دریافت: ۹۵/۱۱/۲۷

Environmental Differences and Urban Structure of Fostat and Cairo

Armindokht Amin¹
Fatemeh Janahmadi²
Reza Shabani³

Abstract: Fostat, the first Islamic capital of Egypt, was founded in the years 17-20AH along with Babylon by raising tents of militaries as the conqueror of Egypt. This ancient Islamic city that its military nature dominated over its urban structures for many years was the first Islamic city and the capital of Egypt, and the governor's seat (dar- ol-hokumah and dar-ol-emarah) of Muslim Emirs. In their haste to choose a construction site for the city and their unfamiliarity with urbanization techniques, Muslim conquerors neglected some important issues, which caused that Fostat could not be erected as a sustainable city in the history of Egypt. Thus, after construction of "the Qaherat Almoezzi", its glory was rapidly declined and continued its life as one of the old neighborhoods of Egypt's capital, along with this new capital of Fatimids (i.e. Cairo). There are various reasons due to which Fostat was unable to maintain its urban situation comparing Cairo, however, the environmental factors as well as in consistency of its physical space have been neglected by the recent researches in this regard. In this study, which uses a descriptive method, collects data from historical references and benefits from analytical/deductive method, we aim to answer this main question: what are the environmental differences between Fostat and the Qaherat Almoezzi as two neighboring capitals? The outcome of this study showed that the environmental differences, and bad climate of Fostat are due to improper geographical and

1 Ph.D student of The Islamic History at Islamic Azad University Amin228@ ymail.com
2 Associate professor of the Department of History at Tarbiyat Modarres University (corresponding author) F.janahmadi@modares.ac.ir
3 Professor at Shahid Beheshti University shabani@yahoo.com

physical space, which were caused by some fixed and variable factors that ultimately led to durability of Cairo as the capital of Shiite Fatimid caliphate, and fall and inefficiency of Fostat as a permanent urban, which was transmuted into a neighborhood of Cairo.

Keywords: Cairo (Qaherat Almoezzi), Fostat, Almoqattam mountain, the capital of Fatimids, environment

مقدمه

شهر و شهرسازی از مقوله‌های مهم تمدن اسلامی به‌ویژه در عصر فتوح و یا ادوار نخستین اسلامی است. گرچه فاتحان مسلمانان در ابتدای فتوح اسلامی توجه چندانی به موقعیت جغرافیایی شهرهای نوبنیاد نداشتند و گاه آنها را تنها در کنار سازه شهرهای پیشین بنا می‌ساختند، اما به تدریج با گسترش فتوح و آشنایی با فرایند شهرسازی و نیز شکل‌گیری حکومت‌های مستقل و نیمه‌مستقل در سرتاسر قلمرو اسلامی، ضرورت ایجاد شهرهای جدید به‌ویژه شهرهای مرکزی به‌عنوان دارالحکومه و یا پایتخت توسط این حکمرانان بیش از پیش احساس شد و در نتیجه چنین نیاز و ضرورتی شهرهای جدید و پایتخت‌های بسیاری در گوشه و کنار قلمرو پهناور اسلامی بنا نهاده شدند. تفاوت ساخت این شهرها با ساخت و بنای شهرهای دسته نخست در این مسئله خلاصه می‌شد که در انتخاب مکان شهرهای دسته نخست اعراب فاتح بیش از هر چیز به مسائلی چون عدم اختلاط با بومیان سرزمین‌های مفتوحه، شباهت آب‌وهوایی منطقه مورد نظر با حجاز به‌عنوان سرزمین مبدأ، دسترسی آسان به آب، تأمین علوفه شتران و ستوران و نیز نزدیکی و ارتباط نقطه مورد نظر با مدینه نخستین پایتخت خلافت اسلامی و یا شام در دوره امویان، متأثر از فرامین خلیفه دوم عمر بن خطاب مبنی بر نبودن حائل در میان سپاهیان مسلمان و پایتخت اسلامی می‌اندیشیدند. لیکن به تدریج و با گسترش فتوح در ابعاد ارضی وسیع، فرمانروایان مسلمان در نتیجه کسب تجربه و تأثیرپذیری از شیوه‌های شهرسازی در تمدن‌های همجوار، چون تمدن ساسانی، یمنی، سریانی، رومی و قبطی، بیش از پیش با ضرورت‌ها و فنون شهرسازی آشنا شدند و معیارهای آنان برای بنیاد نهادن شهرهای جدید نسبت به فاتحان نخستین بسیار متفاوت شد. در دهه‌های پایانی عصر اموی که توأم با تثبیت فتوح بود، مسائلی متعدد در ساخت شهرها و پایتخت‌های نوبنیاد اسلامی مؤثر افتاد که در عصر عباسیان و یا دولت‌های مستقل این عوامل مؤثر موجبات شکل‌گیری ساخت شهرهای مهم و قابل‌اعتنایی چون بغداد شد.

از نیمه قرن دوم هجری به بعد، فرایند شهرسازی در خلافت اسلامی متفاوت شد. چنانکه انتخاب مناسب‌ترین نواحی از لحاظ راهبردی و زیست‌محیطی برای ساخت مادرشهرهای اسلامی در دستور کار دولتمردان مسلمان قرار گرفت. بر این اساس و با بهره‌مندی از عواملی چون مشاوره با اهل فن، عالمان، دانشمندان، مهندسان و حتی طبیبان حاذق علاقه‌مند به

مهندسی شهری، شهرهای ماندگار بسیاری در گستره قلمرو تمدن اسلامی بنا شدند. گواه این امر اشاره‌های مکرر مورخان و جغرافیدانان مسلمان به دقت نظر و توجه حاکمان مسلمان به این امر حیاتی و تحقیقات گسترده و بسیاری بود که آنان در مورد ویژگی‌های راهبردی و شرایط زیست‌محیطی و آب‌وهوایی منطقه مورد نظر برای احداث شهرهای تازه تأسیس، به‌ویژه پایتخت‌های خود به عمل می‌آوردند.^۱ بررسی شرایط زیست‌محیطی از جمله مهم‌ترین دغدغه‌های فکری حکمرانان مسلمان را در ساخت و بنای شهرهای نوین یاد تشکیل می‌داد. زیرا بر این باور بودند که شرایط زیست‌محیطی و اقلیمی بر صفات و ویژگی‌های روحی و ظاهری مردمان ساکن در قلمروی آنان چون شجاعت و زبونی و زیبایی و زشت‌روی مردمان ساکن در قلمرو ایشان تأثیر بسزایی خواهد نهاد و در نهایت به برتری^۲ و استیلای حکومت آنان نسبت به سایر حکومت‌های رقیب منجر خواهد گردید.

فسطاط و قاهره دو نمونه بارز از این دو دسته شهرها و پایتخت‌های نوین اسلامی به شمار می‌روند که به ترتیب در سال‌های ۲۰ و ۳۵۸ ق. با مسافتی اندک از یکدیگر^۳ در مصر بنا نهاده شدند و هر یک به دلیل موقعیت جغرافیایی و اهمیت سیاسی در تمدن اسلامی از سوی تاریخ‌نویسان و جغرافیدانان مسلمان مورد توجه ویژه واقع شده‌اند. مقدسی در قرن چهارم هجری در هنگام بیان ویژگی‌های فسطاط چنین آورده است: «شگفت‌انگیز و در نظر همگان مرکز شمرده می‌شود زیرا که دیوان‌ها و دربار امیرمؤمنان را در بر می‌گیرد. مرز

۱ محمدبن احمد مقدسی (۱۳۶۱)، *احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم*، ترجمه علی‌نقی منزوی، ج ۱، تهران: شرکت مؤلفان و مترجمان، ج ۱، صص ۱۶۵-۱۶۶ و توضیحات قابل تأمل او در مورد تدابیر عباسیان در هنگام ساخت شهر بغداد؛ زکریابن محمد قزوینی (۱۳۷۳)، *آثار البلاد و اخبار العباد*، ترجمه جهانگیر میرزا قاجار، به کوشش هاشم محدث، تهران: امیر کبیر، ج ۱، ص ۴۰؛ احمدبن اسحاق یعقوبی (۱۳۵۶)، *البلدان*، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ج ۱، صص ۷۵.

۲ مقدسی، همان ج ۱، صص ۱۶۵-۱۶۶؛ قزوینی همان، ص ۴۰؛ یعقوبی، همان، صص ۷۵؛ احمدبن‌علی‌مقریزی (۱۴۲۲ق)، *المواعظ و الاعتبار فی ذکر الخطط و الآثار*، مصحح: فواد سید ایمن، ج ۲، لندن: مؤسسه الفرقان للتراث الاسلامی، ص ۱۴۹.

۳ بکری فاصله قاهره تا فسطاط را ۲ میل دانسته است، عبدالله‌بن‌عبدالعزیز بکری (۱۹۹۲م)، *المسالك و الممالک البکری*، مصحح: آدریان فان لیوفن و آندری فیری، ج ۲، بیروت: دارالغرب الاسلامی، ص ۶۰۹. در یکی از پژوهش‌ها فاصله میان قاهره و فسطاط ۲/۵ کیلومتر دانسته شده است. نک: عباسعلی آذر نیوشه (۱۳۹۱)، «جنبش شهرسازی در سده‌های نخستین خلافت اسلامی»، *فصلنامه علمی پژوهشی تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی*، س ۴، ش ۱۱، ص ۱۲۰؛ *الاستبصار فی عجایب الامصار* (۱۹۸۶م)، مصحح: عبدالحمید سعد زغلول، بغداد: دارالشوون الثقافیه، ج ۱، ص ۸۳؛ ناصر خسرو مسافت میان این دو شهر را کمتر از یک میل دانسته است. ناصر خسرو (۱۳۸۹)، *سفرنامه ناصرخسرو*، تصحیح محمد دبیر سیاقی، تهران: زوار، ج ۱۰، ص ۸۱.

مغرب و سرزمین‌های عرب است. شهر گسترش یافته، مردمش افزایش گرفته، سرزمینش شکوفاست، نامش آوازه و اهمیت یافته، مرکز مصر و زداینده بغداد و افتخار اسلام و تجارتخانه ملتها و مهم‌تر از مدینه‌السلام است. انبار مغرب و بارانداز مشرق، رونق‌بخش حج است. در میان شهرها پرجمعیت‌تر از آن نیست. پیران بزرگوار است. تجارتخانه‌های شگفت و بازارها با درآمدهای نیکو دارد، گرمابه‌هایش برترین هستند^۱. همو در مورد قاهره می‌نویسد: «شهری است که جوهر فاطمی هنگامی که مصر را گشود و صاحبش را مغلوب کرد برای سکناي سربازان بساخت. بزرگ و زیبا و دارای چهل گرمابه و بازارها است و جامعی دل‌باز نیز دارد. کاخ سلطان در میان آن با برج و بارو و درهای آهنین در کنار راه شام است. هیچ‌کس نمی‌تواند به فسطاط درآید مگر که از آن بگذرد، زیرا میان کوه و رودخانه واقع شده‌اند. نمازگاه عید در پشت آن است و گورستان در میان مصر و کوه جا دارد. در حقیقت شهر جز یک دروازه ندارد، چه از سمت نیل و چه از سمت کوه و گورستان، تنها از راه شام می‌توان بدان وارد شد»^۲.

شمار بسیاری از مورخان، جغرافیدانان و سیاحان متقدم و متأخر نیز هر یک به فراخور توصیف‌های مختلفی از این دو شهر اسلامی ارائه کرده‌اند که همگی مؤید اهمیت این دو شهر مجاور بوده است. اما آنچه در این پژوهش حائز توجه است، اینکه در گزارش‌های موجود از این دو شهر همجوار، همواره تفاوت‌های بارز آب‌وهوایی و اقلیمی دیده می‌شود. چنانکه در این منابع فسطاط همواره شهری با آب‌وهوای گرم و مرطوب، آلوده، کدر، بدبو و متعفن و به‌عنوان مرکزی مساعد برای شیوع انواع بیماری‌ها^۳ با فضای کالبدی متراکم و شهری متعفن و قاهره به‌عنوان پایتختی با آب‌وهوای سالم، پاکیزه و مطبوع و کوچه‌های فراخ و ساخت شهری وسیع معرفی شده‌اند. چنانکه مقدسی پس از دیدار از فسطاط به‌رغم تعاریف بسیاری که از اهمیت و شکوه اقتصادی این شهر بیان نموده است، تصویری نامطلوب از وضعیت آب و هوایی، نیز وضعیت شهری و بهداشتی آن ارائه می‌کند.^۴ برخی دیگر از مورخان در مقام مقایسه از این دو

۱ مقدسی، همان، ج ۱، صص ۲۸۰-۲۸۱.

۲ مقدسی، همان، ج ۱، ص ۲۸۵.

۳ مقدسی، همان، ج ۱، ص ۲۸۵؛ یاقوت حموی (۱۳۸۰)، معجم البلدان ترجمه علی نقی منزوی، ج ۱، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور (پژوهشگاه)، ج ۱، ص ۲۳۰؛ صفی‌الدین عبدالؤمن بن عبدالحق بغدادی (۱۴۱۲ق)، مرآة الاطلاع علی اسماء الامکنة و البقاع، مصحح: علی محمد بجاوی، ج ۳، بیروت: دارالجیل، ص ۱۲۹۹؛ مقریزی (۱۴۲۲ق)، همان، ج ۲، صص ۱۴۸، ۱۵۲، ۲۲۵.

۴ مقدسی، همان، ج ۱، ص ۲۸۴.

شهر با عبارت «وای بر فسطاط» مشکل شهر را مطرح و بر خوبی آب‌وهوای قاهره نسبت به این شهر تأکید ورزیده‌اند^۱ و اعتراف می‌کنند که آب‌وهوای قاهره از جمله بهترین آب‌وهوای دنیاست.^۲ با توجه به همجواری و بعد مسافت اندک میان این دو شهر، به‌طور طبیعی مسئله پژوهش با طرح این سؤال به ذهن متبادر خواهد شد که: علت چنین تفاوت بارز آب‌وهوایی میان این دو شهر مجاور در چیست؟ پرسش بعدی اینکه با توجه به بدی آب‌وهوای فسطاط و خوبی آب‌وهوای قاهره، آیا می‌توان پذیرفت که شرایط نامطلوب آب‌وهوایی فسطاط از جمله «عوامل زیست‌محیطی» در مکان‌گزینی^۳ قاهره پایتخت فاطمیان در شمال فسطاط مؤثر بوده است؟ آیا به‌غیر از عوامل زیست‌محیطی که به نظر می‌رسد نقش قابل توجهی در آلودگی و گرمی آب‌وهوای فسطاط ایفا کرده‌اند، ویژگی‌های ساختاری این شهر نیز در آلودگی آب‌وهوای آن و در نتیجه عدم انتخاب آن به‌عنوان پایتخت توسط فاطمیان در این مسئله دخیل بوده است؟ و سرانجام اینکه علل تفاوت‌های زیست‌محیطی دو شهر فسطاط و قاهره معزیه به‌عنوان دو پایتخت همجوار در چیست؟ نتایج این تفاوت‌های زیست‌محیطی و ساختار شهری چه بوده است؟ مسئله‌ای که با وجود پژوهش‌های در خور توجهی که در خصوص این دو شهر اسلامی صورت گرفته،^۴ کماکان از دید پژوهشگران مغفول مانده است. بر این اساس پژوهش حاضر به دو بخش تفاوت‌های زیست‌محیطی متکی بر جغرافیای فسطاط و قاهره و ویژگی‌های ساختاری شهر فسطاط تقسیم شده است و تلاش خواهد شد با روش توصیفی اسنادی به گردآوری داده‌های تاریخی و با شیوه تحلیلی استنتاجی به پردازش این داده‌ها پرداخته شود تا به یافتن پاسخ پرسش‌های مطرح شده نائل آییم.

تفاوت‌های زیست‌محیطی متکی بر موقعیت جغرافیایی دو شهر فسطاط و قاهره

پس از فتح مصر در خلال سال‌های ۱۷ تا ۲۱ق. فسطاط به‌عنوان اقامتگاه موقت فاتحان مسلمان

۱ مقریزی(۱۴۲۲ق)، همان، ج ۲، ص ۲۲۵.

۲ عمر بن مظفر بن وردی (۱۴۲۸م)، *خریبة العجائب و فريدة الغرائب*، مصحح: انور محمود زناتی، قاهره: مکتبة الثقافة الدینیة، ص ۸۸.

۳ عوامل زیست‌محیطی از جمله عوامل مؤثر در مکان‌گزینی پایتخت‌ها به شمار می‌رود. زهرا احمدی‌پور و علی ولی قلی‌زاده (۱۳۹۰)، *مبانی جغرافیایی - سیاسی مکان‌گزینی پایتخت‌ها در ایران*، مشهد: پاپلی، صص ۹۴-۱۰۷.

۴ گاستون ویت (۱۳۵۱)، *قاهره شهر هنر و تجارت*، ترجمه محمود محمودی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، شحاته ابراهیم (۲۰۰۱)، *القاهره تاریخها و نشاتها*، مطابع الهيئة المصرية العامة للكتاب؛ خالدعزب (۱۴۱۸ق/۱۹۹۸م)، *الفسطاط النشاه...الازدهار...الانحسار*، القاهره: دارالافاق العربیة.

در کنار الیونه^۱ یا بابلون^۲ ساخته شد. شهری که شتابزدگی در بنیاد نهادن آن از نامش به درستی پیداست. این شهر تا زمان ساخت قاهره، پایتخت نخست مسلمانان و مرکز دارالاماره شناخته می‌شد. لیکن با تسخیر مصر توسط فاطمیان قاهره المعزیه به نشانه اقتدار فاطمیان در فاصله سال‌های ۳۵۸ تا ۳۶۲ ق. در کنار شهر کهن فسطاط ساخته شد و به دلیل عظمت آن، اقتدار سیاسی فسطاط به سرعت به قاهره منتقل شد. هرچند بنابر گزارش‌های مقدسی و یا مشهودات رحله‌نگاران مسلمان فسطاط کماکان دارای اهمیت بود، اما شرایط اقلیمی و زیست‌محیطی قاهره از رونق افتادن آرام و تدریجی فسطاط را در پی داشت چنانکه در منابع قرن پنجم و ششم به بعد دیگر فسطاط آن اقتدار گذشته را نداشته و در عظمت قاهره مستحیل شده است. تفاوت‌های اقلیمی این دو شهر مجاور از نظر مورخان دور نبوده است. برای نمونه مقدسی جغرافی‌نگار قرن چهارم هجری وضعیت آن را این‌چنین توصیف می‌کند: «خانه‌هایش متعفن و پر پشه و کتیف و رنج‌آور است، میوه‌اش اندک، آبش کدر، چاه‌ها چرکین، خانه‌ها کتیف پر کنه، بدبو، بیماری‌گری فراوان است، گوشت اندک، سگ فراوان، سوگندها بزرگ، آداب و رسوم وحشتناک، همیشه در تهدید خشکسالی و کاهش رودخانه و انتظار بلا و خانه بدوشی هستند». مؤلف اثر *احسن التماسیم فی معرفة الاقالیم* در جای دیگر و در هنگام معرفی شهر «نموجکت»، قصبه بخارا، آن را «در سیاهی گل و عفونت» همانند فسطاط دانسته است^۳ که این امر نیز بیانگر میزان آلودگی شهر فسطاط است. این وضعیت تا زمان یاقوت حموی جغرافیدان برجسته در قرن هفتم هجری هم تداوم داشته است، چه او هم فسطاط را شهری با آب‌وهوایی آلوده و متعفن و به‌عنوان یکی از بدترین نقاط سرزمین مصر از لحاظ آب‌وهوا معرفی نموده است. مقریزی به نقل از شاهدان عینی فسطاط را شهری غبارآلود، کدر و بسیار کتیف توصیف نموده و می‌نویسد: در این شهر به‌ویژه در فصل تابستان هوا به‌قدری غبار آلود و کدر بود که

۱ احمدبن یحیی بلاذری (۱۳۳۷)، *فتوح البلدان*، ترجمه محمد توکل، تهران: نشر نقره، ج ۱، ص ۲۱۰؛ احمدبن عمر بن رسته (۱۹۲۸م)، *الاعلاق النفسیه*، بیروت: دارصادر، ص ۳۳۰.

۲ عبدالرحمن بن عبدالله بن عبدالحکم (۱۴۱۵ق)، *فتوح مصر و المغرب*، مصحح: علی محمد عمر، قاهره: مکتبه الثقافه الدینیة، ص ۸۲؛ یاقوت بن عبدالله حموی (۱۹۹۵م)، *معجم البلدان*، ج ۱، بیروت: دارصادر، ج ۲، ص ۳۱۱.

۳ فسطاط بمعنی مخیم و چادر است. و جمع آن فساطیط آمده است. یاقوت حموی (۱۹۹۵م)، همان، ج ۴، ص ۲۶۳؛ ابن‌وردی، همان، ص ۸۸.

۴ مقدسی، همان، ج ۱، ص ۲۸۴.

۵ همان، ج ۱، ص ۴۰۵.

۶ یاقوت حموی (۱۳۸۰)، همان، ج ۱، ص ۲۳۰.

تنفس را دچار مشکل می‌نمود و لباس‌های پاکیزه عابران در عرض یک روز در هنگام عبور از فسطاط تیره می‌شد و بر سرو صورت و ریش آنان غبار بسیاری می‌نشست.^۱ با مقایسه اقوال اینان می‌توان نتیجه گرفت آب‌وهوای فسطاط همواره در مقایسه با آب‌وهوای قاهره، به‌عنوان آب‌وهوایی آلوده، گرم، بد و ناسالم معرفی شده است. این نتیجه را ابن‌رضوان طیب به هنگام مقایسه میان ویژگی‌های این دو شهر تأیید می‌کند چنانکه وی در ابتدای سخن با درج عبارت «وای بر فسطاط» مشکل شهر را مطرح و در ادامه با اشاره به خوبی آب‌وهوای قاهره نسبت به این شهر توضیح می‌دهد: «هنگامی که در حال قاهره و فسطاط تأمل نمایم، قاهره نسبت به فسطاط از آب‌وهوای متعادل‌تر، بهتر و نیکوتری برخوردار است».^۲ همان‌گونه که در پیش اشاره شد خوبی آب‌وهوای قاهره برخی مؤلفان را تا حدی تحت تأثیر خود قرار داده بود که عقیده داشتند بهتر از آب‌وهوای این شهر در هیچ جای دنیا یافت نخواهد شد.^۳ بدین ترتیب نمای متفاوتی که از اقلیم این دو شهر هم‌جوار ارائه شده است ما را بر این می‌دارد تا ابتدا به مقایسه موقعیت جغرافیای این دو شهر به لحاظ ژئوپلتیکی بپردازیم و معایب جغرافیایی فسطاط را مطرح و تفاوت‌های آن را با قاهره مشخص نمایم.

تفاوت موقعیت جغرافیایی فسطاط با قاهره

به‌رغم تفاوت‌های بسیار میان دو شهر فسطاط و قاهره، آنچه در این پژوهش مورد توجه قرار گرفته است دو دسته تفاوت ناشی از عوامل ثابت یا متغیر است که عوامل ثابت در عوارض طبیعی و جغرافیایی خلاصه شده و دسته دوم یا متغیر هم در جمعیت و ساختار شهری آن دو خلاصه گردیده است.

علل ثابت

- ناهمواری‌ها

دانسته است که ارتفاعات و پستی و بلندی‌های طبیعی همواره در زمره عوامل زیست‌محیطی مؤثر بر سرنوشت سیاسی سرزمین‌ها هستند. سرزمین وسیع مصر هم که بر دو سوی نیل از جنوب به شمال کشیده شده است علاوه بر حصر صحرا از یک‌سو، در ارتفاعات و کوه‌های

۱ مقریزی (۱۴۲۲ق)، همان، ج ۲، صص ۱۴۸، ۱۵۲-۱۵۳.

۲ همان، ج ۲، صص ۲۲۵.

۳ ابن‌وردی، همان، صص ۸۸.

شرقی و غربی محصور شده است. عظیم‌ترین رشته‌کوه شرقی در مصر «لوقا» نام دارد که از اسوان و بلاد حبشه به سوی ساحل نیل در جنوب مصر کشیده شده است.^۱ این رشته‌کوه متأثر از وسعت امتداد، در بخش‌های مختلف نام‌های متعددی به خود گرفته است.^۲ اصلی‌ترین بخش این رشته‌کوه در سمت جنوبی مصر و در نواحی شرقی فسطاط و قاهره قرار دارد که در تاریخ از آن به‌عنوان کوه «المُقَطَّم» نام برده شده است.^۳ به‌رغم همجواری فسطاط و قاهره، رشته‌کوه مقَطَّم بنا بر ادعای منابع در مقابل فسطاط همچون دیواری یکپارچه و غیرمنقطع^۴ است، در حالی که همین کوه در برابر قاهره پایتخت فاطمیان با ترکیبی گسسته و منقطع دیده می‌شده است.^۵ شکل ناهمواری ناهمگون این رشته‌کوه نسبت به فضای کالبدی این دو شهر موجبات تغییرات جوی در وضعیت اقلیمی و نابرابری‌های ناحیه‌ای را در این دو شهر مجاور فراهم آورده است. بر اساس نوشته‌های مقریزی کشیدگی و ارتفاع رشته‌کوه لوقا یا همان کوه‌های المقطَّم و طرز قرار گرفتن ستیغ این کوه بهم پیوسته در شرق فسطاط دو مشکل طبیعی را برای این شهر به‌وجود آورده بود. نخست ممانعت از وزش بادهای شرقی (موسوم به باد صبا) به این شهر و دوم اینکه سایه ستیغ آن همواره مانع از تابش نور خورشید بر این شهر می‌شد. این وضع توپوگرافی به همراه عدم وزش باد و سکون جوی در فسطاط و سایه دائمی ناشی از ارتفاع کوه زمینه آلودگی آب‌وهوای فسطاط را فراهم می‌کرد. مقریزی در تشریح این مطلب

۱ مسلمانان قسمت‌های جنوبی فسطاط را صعید یا بالای مصر می‌نامیدند (بلاذری، همان، ص ۳۱۳، پاورقی ۱) و در واقع آن را شمال مصر می‌دانستند و قسمت‌های شمالی فسطاط را پایین و یا جنوب مصر در نظر می‌گرفتند. مقریزی دلیل این امر را مرتفع بودن قسمت‌های جنوبی فسطاط نسبت به سایر قسمت‌های مصر دانسته است. مقریزی (۱۴۲۲ق)، همان، ج ۱، ص ۵۱۳. در نتیجه در منابع شمال مصر را از سرچشمه رود نیل در سرزمین نوبه در نظر می‌گیرند و جنوب آن را در محل ریزش این رود به دریای مدیترانه، مسعودی نیز دیار مریس در آغاز سرزمین نوبه را بالای نیل و صعید مصر دانسته است، نک: ابوالحسن علی بن حسین مسعودی (۱۳۶۵)، *التنبیه و الاشراف*، ج ۲، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ص ۱۸.

۲ محمد بن احمد بن ایاس (۱۹۹۵م)، *نزهة الامم فی العجائب والحکم*، مصحح: محمد عزب و محمد زینهم، قاهره: مکتبه المدبولی، ص ۱۵۹؛ ابن عبدالحق بغدادی، همان، ج ۳، ص ۱۲۹۹ و ۱۴۷۵؛ مقریزی، همان، ج ۲، ص ۲۰۷؛ یاقوت حموی (۱۹۹۵م)، ج ۵، ص ۱۷۶.

۳ ابن ایاس، همان، ص ۱۵۹؛ ابن عبدالحق بغدادی، همان، ج ۳، ص ۱۲۹۹؛ یاقوت حموی (۱۹۹۵م)، همان، ج ۵، ص ۱۷۶.

۴ مقریزی (۱۴۲۲ق)، همان، ج ۱، ص ۱۱۳-۱۱۴. ناصر خسرو در هنگام معرفی فسطاط با اشاره به این کوه می‌نویسد: «جانب مشرقی شهر کوه است اما نه بلند بلکه سنگ‌هاست و پشته‌های سنگین» ناصر خسرو، همان، ص ۸۸. با این حال در هنگام معرفی قاهره از آن سخنی به میان نیاورده است (نک: همان، ص ۷۴-۸۱) که نشانگر انقطاع این رشته‌کوه در مقابل قاهره است.

۵ ابن عبدالحق بغدادی، همان، ج ۳، ص ۱۲۹۹؛ یاقوت حموی (۱۹۹۵م)، همان، ج ۵، ص ۱۷۶.

می‌نویسد: «و کوه لوقا در مشرق سرزمین مصر مانع وزش باد صبا گردیده است. از این روی هیچ‌کس در فسطاط باد صباي خالص را احساس نمی‌کند و لیکن جایی که باد صبا بر آن می‌وزد، در شمال شرقی و یا جنوب شرقی است و این باد مانع از عفونت می‌گردد. بر این اساس سرزمین مصر چنین فضیلتی را از دست می‌دهد و از این رو قسمت‌هایی از سرزمین مصر که باد صبا به آنها می‌وزد، وضعیتی بهتر از دیگر جاها دارند چون اسکندریه^۱ و تنیس و دمياط و... این کوه همچنین از تابش خورشید بر سرزمین مصر مانع می‌گردد. در نتیجه زمان تابش اشعه‌های خورشید بر این زمین کمتر از مقدار طبیعی آن است و چنین وضعیتی سبب رکود هوا و غلظت آن می‌گردد»^۲. اما ساخت قاهره دقیقاً بر عکس ساخت فسطاط بود و در نقطه‌ای بنا شده بود که کوه المقطم در مقابل آن به صورت منقطع دیده می‌شد. بدین ترتیب قاهره با استقرار در نقطه مقابل کوه لوقا در شرق مصر و استفاده از دامنه‌های منقطع و حاصلخیز^۳ آن ضمن بهره‌گیری از بادهای شرقی موسوم به باد صبا و بادهای باران‌آور مدیترانه‌ای در معرض تغییرات جوی و جابجایی دائمی «جریان هوای»^۴ تازه ناشی از وزش بادهای موسمی و یا تابش دائمی نور خورشید قرار می‌گرفت. همین جابجایی آب‌وهوایی شرایط به‌شدت مطلوبی را برای قاهره و شرایط دشواری را برای فسطاط به ارمغان آورده بود. مسعودی در مورد بادهای سرزمین مصر از جمله بادهای مدیترانه‌ای چنین می‌نویسد: «اما بادی که به دیار مصر می‌وزد آن را مریسی می‌گویند و به دیار مریس در آغاز سرزمین نوبه و بالای نیل یعنی صعید مصر منسوب است بادی سرد است که ابرها را ببرد و هوا را صافی کند و گرمای تن‌ها را نیرو دهد^۵ و بادی که از پایین نیل وزد که آن را پایین زمین نیز گویند شمال

۱ از این روست که یاقوت حموی جغرافیدان قرن هفتم هجری قمری با نقل گفت‌وگویی میان دو تن به عدم تازگی و ناسالم بودن آب و هوای این شهر اشاره نموده می‌نویسد: «عمر پسر عبدالعزیز اموی از من پرسید: در کجای مصر زندگی می‌کنی؟ گفتم در فسطاط. گفت: آه بوی گند! تو از جای نیکوی مصر به‌در هستی. گفتم آن کجاست؟ گفت: اسکندریه». یاقوت حموی (۱۳۸۰)، همان، ج ۱، ص ۲۳۰.

۲ مقریزی (۱۴۲۲ق)، همان، ج ۱، صص ۱۱۳-۱۱۴ و ۳۳۴-۳۳۵، همو (۱۴۲۲ق)، همان، ج ۲، ص ۲۲۵. مقریزی در جای دیگر از زبان ابن‌رضوان می‌نویسد: «وقد قالت الاطباء: ان اردا المواضع ما كان الجبل فی مشرقه، یعوق عنها ریح الصبا». همو (۱۴۲۲ق)، همان، ج ۲، صص ۱۴۷ و ۱۴۹.

۳ یاقوت حموی (۱۹۹۵م)، همان، ج ۵، ص ۱۷۶؛ ابن‌عبدالحق بغدادی، همان، ج ۳، ص ۱۲۹۹.

۴ «جميعها مكشوف للهواء»، مقریزی (۱۴۲۲ق)، همان، ج ۲، ص ۲۲۵.

۵ مراد از بادهای مریسی بادی بود که در فصل زمستان از جانب سرزمین مریس که از بالاترین نقطه صعید مصر تا سرزمین نوبه را دربر می‌گرفت می‌وزید و از جمله پردرسترترین و مشکل‌سازترین بادهایی بود که در سرزمین مصر می‌وزید به گونه‌ای که مورخان وزش این بادها را از جمله عیوب سرزمین مصر دانسته‌اند و وزش مستمر این بادها به مدت سیزده روز متوالی سبب ایجاد بیماری مهلک ویا و وقوع مرگ و میر فراوان در این سرزمین می‌شد. (احمدبن محمدبن فقیه (۱۴۱۶ق)، *البلدان*، مصحح: یوسف الهادی، بیروت: عالم‌الکتب، صص ۱۲۸ و ۴۳۷)؛ مقریزی

است و تأثیر آن به خلاف این باشد که تنها را سست کند و مردم مصر آن را باد دریایی گویند و چون در تابستان پی در پی وزد هوا را پاکیزه کند و شب و روز آب را خنک نماید. گاه باشد که باد غربی نیز در این فصل چنین کند ولی غالباً این از شمال باشد.^۱ بدین ترتیب نزدیک‌تر بودن قاهره به شمال مصر تأثیر قابل توجهی در میزان بهره‌مندی این شهر از این بادهای موسمی در فصل تابستان داشته است. شاید بتوان توضیحات ابن‌رضوان در مورد سالم‌ترین بخش شهر بزرگ قاهره (مدینه الکبری) را از لحاظ آب‌وهوایی به منزله تأییدی بر صحت نظریه فوق در نظر گرفت. زیرا وی در هنگام قضاوت در مورد بهترین و بدترین نقاط مدینه الکبری (شهر بزرگ قاهره) از نظر آب‌وهوایی، شمال قاهره را به دلیل دور بودن از بخار هوای فسطاط و نزدیک‌تر بودن به شمال مصر خوش آب‌وهواترین نقطه این شهر بزرگ دانسته است.^۲

– دوری و نزدیکی به نیل

بر اساس اطلاعات موجود، شهر فسطاط درست در ساحل شرقی رود نیل بنا نهاده شده بود. چنانکه به گفته ناصر خسرو: «شهر مصر بر کنار نیل نهاده است به درازی و بسیاری کوشک‌ها و منظرها چنان است که اگر خواهند آب به ریسمان از نیل بردارند».^۳ لیکن قاهره در ساحل رود نیل واقع نبود^۴ و به حدی با آن فاصله داشت که گفته شده چنانکه فرد تشنه‌ای از قاهره تا ساحل نیل را طی می‌نمود چه بسا از بعد مسافت و تشنگی جان خود را از دست می‌داد.^۵ به همین دلیل برخی این امر را از جمله معایب شهر قاهره برشمرده‌اند و دلیل آن را نیز مصون ماندن این شهر از تهدیدات احتمالی ناشی از طغیان این رود دانسته‌اند.^۶ زیرا بر اساس آنچه که در منابع بیان شده است، این رود همه‌ساله در مواقع معینی دچار افزایش

(۱۴۲۲ق)، همان، ج ۱، ص ۱۱۹. ابن‌رضوان طبیب می‌گوید هنگامی که بادهای مریسی موسوم به باد جنوب می‌وزد مقدار زیادی از بخار هوای فسطاط را به قاهره فرود می‌آورد، نک: مقریزی (۱۴۲۲ق)، همان، ج ۲، ص ۲۲۵.

۱ مسعودی، همان، ص ۱۸.

۲ مقریزی (۱۴۲۲ق)، همان، ج ۲، ص ۲۲۶.

۳ ناصر خسرو، همان، ص ۹۴.

۴ مقریزی (۱۴۲۲ق)، همان، ج ۲، ص ۲۲۸؛ محمدبن‌علی بروسوی (۱۴۲۷ق)، *اوضح المسالك الى معرفة البلدان و الممالک*، مصحح: مهدی عبدالرواضیه، بیروت: دارالغرب الاسلامی، ص ۵۰۴.

۵ «ومن عیوب القاهره انها فی ارض النیل الاعظم و یموت الانسان فیها عطشا لبعدها عن مجرى النیل لثلا یصادرها و یاکل دیارها»، مقریزی (۱۴۲۲ق)، همان، ج ۲، ص ۲۲۸.

۶ همان، ج ۲، ص ۲۲۸.

شدید سطح آب می‌شد و همین امر سبب ایجاد تبعات زیست‌محیطی نامطلوبی چون جاری شدن سیل در شهرها و روستاهای مجاور، کاهش مواد غذایی^۱، فرار جانوران موذی از مزارع به مناطق مسکونی مجاور نیل^۲ و افزایش قابل توجه میزان رطوبت و گرمای هوا در فصل تابستان^۳ در چنین مناطقی می‌گردید. درباره طغیان آب رودخانه نیل هم دانسته است که منابع وزش بادهای شمالی را عامل ایجاد برخی تغییرات در جریان آب دریای مدیترانه و به تبع آن بالا آمدن سطح آب و طغیان این رود در فصل تابستان دانسته‌اند.^۴ با توجه به مجاورت فسطاط با ساحل نیل بالا آمدن سطح آب رود نیل در گام نخست این شهر را با تهدیدات ناشی از طغیان این رودخانه و جاری شدن سیل در فصل تابستان^۵ مواجه می‌نمود. طغیان‌هایی که بر اساس اطلاعات منابع مدتی مدید یعنی تا فرا رسیدن موسم «زراعت» در زمین‌های مزروعی به طول می‌انجامید^۶ و سبب ایجاد شرایط اضطراری در روستاها و دیه‌های مجاور رود نیل می‌گردید. ناصر خسرو در این باره می‌نویسد: «و همه دیه‌های ولایت مصر بر سر بلندی‌ها و تل‌ها باشد. و به وقت زیادت نیل همه آن ولایت در زیر آب باشد. دیه‌ها را از این سبب بر بلندی‌ها ساخته‌اند تا غرق نشود». سپس در مورد به‌کار بستن برخی تدابیر برای مواجهه با پدیده طغیان نیل در این مناطق چنین می‌نویسد: «و از هر دیهی به دیه دیگر به زورق روند. و از سر ولایت تا آخرش سگری^۷ ساخته‌اند از خاک که مردم بر سر آن سگر روند، یعنی در جنب نیل. و هر سال ده هزار دینار مغربی از خزانه، سلطان به دست عاملی معتمد بفرستد تا آن عمارت تازه کنند. و مردم آن ولایت همه اشغال ضروری خود ترتیب کرده باشند، آن چهار ماه که زمین ایشان در زیر آب باشد و در سواد آنجا و روستاهایش هر کس چندان نان پزد که چهار ماه کفاف وی باشد. و خشک کنند تا به زیان نشود».^۸ شاید اشاره مقدسی به در

۱ ناصر خسرو، همان، صص ۶۹-۷۰.

۲ قزوینی، همان، ص ۳۲۲.

۳ مقریزی (۱۴۲۲ق)، همان، ج ۱، ص ۱۱۹.

۴ قزوینی، همان، ص ۳۲۲؛ ابن‌وردی، همان، ص ۲۵۷؛ ناصرخسرو، همان، ص ۶۵.

۵ قزوینی، همان، صص ۳۲۱ و ۳۲۲؛ مقریزی، همان، ج ۱، ص ۱۱۹؛ زین العابدین بن اسکندر شیروانی (بی‌تا)، *بستان السیاحه*، تهران: سنایی، ج ۱، ص ۴۰۶.

۶ قزوینی، همان، ص ۳۲۲.

۷ محمد دبیر سیاقی ذیل این واژه در پاورقی کتاب *سفرنامه ناصر خسرو* آن را معادل سنگر آورده است. نک: ناصرخسرو، همان، ص ۶۹، پاورقی ۱۷؛ نیز همان، ص ۷۰، پاورقی ۱.

۸ ناصرخسرو، همان، صص ۶۹-۷۰.

«انتظار بلا» بودن و «خانه به دوشی» دائمی^۱ مردم فسطاط نیز ناشی از پدیده فوق یعنی طغیان آب رود نیل و جاری شدن سیل در مناطق مجاور آن بوده باشد. به همین دلیل به منظور مقابله با پدیده فوق شهر فسطاط «از بیم آب»، «بر سربالایی» بنا شده بود.^۲ علاوه بر مشکلات فوق، با توجه به توضیحات مقریزی از ایجاد تغییراتی چون افزایش قابل توجه رطوبت و بخار هوا در هنگام طغیان آب رود نیل،^۳ می‌توان چنین نتیجه گرفت که این پدیده به‌طور طبیعی به افزایش میزان رطوبت هوای شهر فسطاط که در ساحل نیل بنا شده بود نیز می‌انجامید و می‌تواند از جمله دلایل اشاره مورخان به افزایش میزان گرما و بخار هوای فسطاط نسبت به قاهره در فصل تابستان به شمار رود. علاوه بر تهدیدات زیست‌محیطی ناشی از طغیان رودخانه نیل، کاهش آب این رودخانه از دیگر معضلات اساسی مردم فسطاط و از جمله دلایل اشاره منابع به وجود بوی نامطبوع در سطح این شهر به شمار می‌رفت. زیرا بر اساس یکی از گزارش‌های مقریزی کاهش و انقطاع آب رود نیل در اواخر بهار و اوایل تابستان سبب انتشار بوی تعفن شدید ناشی از فساد اجسام درون رود نیل در سطح شهر فسطاط می‌شد^۴ و بدین لحاظ تأثیرات نامطبوعی را در این شهر به دنبال داشت. بر اساس این گفته‌ها بوی زننده ناشی از خشکی رود نیل در سطح شهر فسطاط به قدری محسوس بود که حتی سبب ایجاد تغییراتی در مزاج مردم ساکن در این شهر می‌گردید.^۵

به نظر می‌رسد این مسئله را می‌توان چنین توجیه نمود که کم شدن آب رود نیل و رکود و ایستایی آن در حاشیه این رود سبب ایجاد فساد و تعفن در گل ولای کف آن و لاشه ماهی‌ها و سایر موادی می‌شد که در قسمت‌های ساحلی و کم‌عمق این رود قرار گرفته بودند. در نتیجه چنین موادی در اثر رکود و ایستایی آب به لجن تبدیل شده و بوی مشمئزکننده‌ای را از خود تولید می‌نمودند که در گزارش مقریزی به آن اشاره شده است. با توجه به این خبر ابن‌رضوان که مردم فسطاط فضولات، اجساد و لاشه‌های حیوانات مرده و سایر زباله‌های خود را در آب رود نیل و ساحل این رودخانه رها می‌کردند،^۶ می‌توان تصور نمود که کم شدن فصلی جریان آب در ساحل

۱ مقدسی، همان، ج ۱، ص ۲۸۴.

۲ ناصر خسرو همان، ص ۶۹ و ۸۹؛ عبدالله بن لطف الله حافظ ابرو (۱۳۷۵)، *جغرافیای حافظ ابرو*، مصحح: صادق سجادی، ج ۱، تهران: میراث مکتوب، صص ۲۹۵-۲۹۶.

۳ مقریزی (۱۴۲۲ق)، همان، ج ۱، ص ۱۱۹.

۴ همان، ج ۲، ص ۱۴۸.

۵ همان‌جا.

۶ همان، ج ۲، صص ۱۴۷-۱۴۸.

رود نیل و رکود و عدم جریان آن در این ناحیه تا چه میزان در تشدید فساد این لاشه‌ها و اجساد در ساحل این رودخانه و انتشار بوی نامطبوع ناشی از آن‌ها در شهر فسطاط مؤثر بود. مقدسی در قرن چهارم هجری معضل کاهش آب رودخانه نیل را از جمله «تهدید»ها و «عیب‌های بسیار شهر» فسطاط برشمرده است^۱ که می‌تواند به‌عنوان نشانه‌ای از تأثیرات منفی این پدیده زیست‌محیطی بر زندگی روزمره مردم فسطاط در نظر گرفته شود. علاوه بر آن همان‌طور که می‌دانیم فسطاط شهری تجاری بود^۲ که کشتی‌های حامل اقلام مختلف کالا و مواد غذایی از اقصی نقاط در ساحل این شهر در حال تردد بودند.^۳ بر اساس نوشته‌های مقریزی، از جمله اقلام مواد غذایی وارداتی به فسطاط، ماهی‌هایی بود که همه‌ساله در فصل زمستان و اوایل بهار از دریای مدیترانه و از طریق کشتی‌های تجاری بر رود نیل به سوی شهر فسطاط روانه می‌شد و فاسد و بدبو شدن مقادیر متنوعی از این ماهی‌ها در مسیر انتقال به این شهر موجب انتشار بوی نامطبوع ناشی از این ماهی‌ها در سطح شهر می‌گردید.^۴ با توجه به چنین گزارش‌هایی می‌توان چنین نتیجه گرفت که اولاً مجاورت این شهر با رود نیل سهم بسزایی در قضاوت مورخان و جغرافیدانان در مورد آلودگی هوای فسطاط و انتشار بوی نامطبوع در آن بر عهده داشت. علاوه بر این به‌طور کلی فسطاط در بیشتر اوقات سال در معرض آلودگی‌ها، تهدیدات و بحران‌های زیست‌محیطی ناشی از مجاورت با رود نیل قرار داشت که آن را برای انتخاب به‌عنوان پایتخت دائمی فاطمیان دچار مشکل می‌نمود. بر این اساس دور بودن مکان قاهره از رود نیل چنانکه در منابع به آن اشاره شده است^۵ می‌توانست از دیگر دلایل زیست‌محیطی آلودگی آب‌وهوای این شهر و انتخاب مکان قاهره در شمال شرقی آن به شمار رود.

عوامل متغیر

- جمعیت

در میان عوامل متغیر، جمعیت فسطاط را می‌توان عامل مؤثر بر دو عامل مؤثر دیگر در

۱ مقدسی، همان، ج ۱، صص ۲۸۱ و ۲۸۴.

۲ نک: مقدسی، همان، ج ۱، صص ۲۸۰-۲۸۴؛ مقریزی (۱۴۲۲ق)، همان، ج ۲، صص ۱۵۱-۱۵۲؛ فیروز آزادی (۱۳۹۴)، تاریخ سیاسی اجتماعی مصر پس از اسلام از فتح اسلام تا پایان حکومت سفیانیان (۲۰-۶۴ق)، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، صص ۲۸۸-۲۸۹.

۳ مقدسی، همان، ج ۱، صص ۲۸۲ و ۲۸۴.

۴ مقریزی (۱۴۲۲ق)، همان، ج ۲، ص ۱۴۸.

۵ همان، ج ۲، ص ۲۲۸؛ بروسوی، همان، ص ۵۰۴.

آلودگی آب و هوای این شهر یعنی فضای کالبدی و ساختار شهری ناهمگون آن به شمار آورد. فسطاط از همان قرن اول هجری جمعیت بسیاری را در دل خود جای داد و به دلیل موقعیت جغرافیایی و شرایط سیاسی در شمار شهرهای پرجمعیت آن روزگار دست کم تا پایان قرن چهارم هجری بوده است.^۱ بر اساس یک پژوهش در قرن اول هجری ظرفیت اسکان در فسطاط چنان کم شده بود که قبیله‌های عرب به شرطی می‌توانستند به مصر وارد شوند که در فسطاط اقامت نیابند و به سوی منطقه الصعید (شمال مصر) بروند.^۲ در قرن چهارم هجری توصیفات مقدسی از میزان جمعیت بسیار فسطاط بسیار شگفت‌انگیز، قابل تأمل و خواندنی است. مقدسی در این باره می‌نویسد: «شهر گسترش یافته، مردمش افزایش گرفته، سرزمینش شکوفاست، نامش آوازه و اهمیت یافته، مرکز مصر و زداینده بغداد و افتخار اسلام و تجارتخانه ملتها و مهم‌تر از مدینه السلام است».^۳ همو در ادامه می‌افزاید: «انبار مغرب و بارانداز مشرق، رونق‌بخش حج است. در میان شهرها پرجمعیت‌تر از آن نیست. پراز پیران بزرگوار است... در اسلام مجلس‌هایی بزرگ‌تر از جامع آن و مردمی زیباپسندتر از مردم آن... نباشد».^۴ او در ادامه می‌نویسد: «فسطاط پرجمعیت‌تر از نیشابور و بخارا مهم‌تر از بصره، بزرگ‌تر از دمشق است. غذا و خورشهای پاکیزه، شیرینی‌های ارزان، خرما و موز فراوان، سبزی و هیزم بسیار دارد... مرکز دانشمندان و مردم سالم، با دهش، خوش‌آواز در قرآن، نیکخواه و خداپرست است که شهرت جهانی دارند».^۵

اما با ساخت شهره قاهره معزیه و انتقال موارث سیاسی و اداری به‌ویژه دارالاماره فسطاط به قاهره رفته رفته موقعیت آن تنزل می‌یابد و از کثرت جمعیت آن به‌شدت کاسته می‌شود و در اثر این جابجایی جمعیتی فسطاط از رونق می‌افتد تا عهد المستنصر که بر اثر قحطی هفت‌ساله فسطاط بیشترین آسیب جمعیتی و فشار اقتصادی را تجربه می‌کند. مقریزی از قول ابن سعید مغربی می‌نویسد: «هنگامی که قاهره بنا نهاده شد، شهر فسطاط به ضعف گرایید و پس از شادی و مسرت [ناشی از ساخت شهر فسطاط، پس از جایگزینی قاهره بجای

۱ مقدسی، همان، ج ۱، ص ۴۷.

۲ ممدوح عبدالرحمن الریطی (بی‌تا)، دور القبايل العربية فی صعید مصر، منذ فتح الاسلامی حتی قیام الدولة الفاطمیة و اثرها فی النواحي، قاهره: مکتبه مدبولی، ص ۷۰.

۳ مقدسی، همان، ج ۱، ص ۲۸۰.

۴ همان، ج ۱، ص ۲۸۱.

۵ همان‌جا.

فسطاط] در این امر کوتاهی شد در حالی که میان این دو شهر نزدیک به دو میل فاصله بود.^۱ ترکیب جمعیتی قاهره و فسطاط با هم متفاوت بود زیرا قاهره از ابتدا برای سکونت خاندان فاطمی، درباریان و مقربان درگاه و نظامیان آنان ساخته شده^۲ و فسطاط برای سکونت رعایا در نظر گرفته شد. حتی پیش از آن نیز حکمرانان مقرر سکونت خود را نه در شهر فسطاط بلکه در شمال آن در نظر می‌گرفتند.^۳ ابن سعید مغربی در دوره حکومت ایوبی‌ها در هنگام اشاره به وضعیت قاهره و فسطاط به این نکته اشاره نموده که قاهره نسبت به فسطاط از شکوه و عظمت بسیار بیشتری برخوردار است، زیرا شهری مخصوص سکونت سلطان و رتق و فتق امور سلطنتی به شمار می‌رود^۴ و به همین دلیل در ساخت آن «همت سلطانی» به کار گرفته شده است.^۵ به نظر می‌رسد این افزایش و کاهش بی‌رویه جمعیت و نیز برخورداری از ترکیب جمعیتی متفاوت با قاهره در ایجاد و ادامه فضای کالبدی و ساختار ناهمگون و غیراصولی شهر فسطاط و در نهایت آلودگی آب‌وهوای آن تأثیر بسیار داشت، زیرا از یک سو سبب افزایش تراکم ساختمان‌ها و گسترش بی‌رویه و غیراصولی بافت شهر و از دیگر سو سبب بی‌توجهی حکمرانان و یا از رونق افتادن شهر فسطاط و به دست بی‌اعتنایی سپرده شدن این شهر و تخریب هر چه بیشتر آن می‌گردید.

فضای کالبدی و ساختار شهری فسطاط و قاهره

یکی دیگر از تفاوت‌های متغیر دو شهر فسطاط و قاهره که به ناپایداری فسطاط منجر شده بود و بر دوام قاهره به مثابه شهری پایدار می‌انجامید، فضای کالبدی و ساختار شهری هر دو شهر است. بنا به منابع تاریخی ساخت شهر فسطاط از الگوی مناسب تبعیت نکرده است. وجود ساختمان‌های بلند و چندطبقه^۶ در این شهر که به صورت نامنظم و پراکنده^۷ در خیابان‌هایی کم‌عرض و تنگ کنار هم بنا شده بودند^۸ فضای کالبدی نامتجانسی را برای

۱ مقریزی (۴۲۲ق)، همان، ج ۲، ص ۱۵۰.

۲ محمدبن حوقل (۹۳۸م)، صورة الارض، ج ۱، بیروت: دار صادر، ج ۲، ص ۱۴۶.

۳ مقریزی (۴۲۲ق)، همان، ج ۲، صص ۱۴۹-۱۵۰.

۴ همان، ج ۲، ص ۲۲۹.

۵ همان، ج ۲، ص ۲۲۷.

۶ مقدسی، همان، ج ۱، ص ۲۸۱؛ مقریزی (۴۲۲ق)، همان، ج ۲، صص ۱۴۷، ۱۵۱-۱۵۲.

۷ همان، ج ۲، ص ۱۵۲.

۸ همان، ج ۲، ص ۱۴۷.

ساکنان فسطاط فراهم کرده بود. مقدسی در قرن چهارم هجری به وجود خانه‌های چندطبقه مطبق منبرمانند در فسطاط اشاره نموده است که گاه ارتفاع آنها تا ده طبقه نیز می‌رسید و روشنایی مورد نیاز خود را از روبه‌رو دریافت می‌کردند.^۱ مشاهدات ناصر خسرو در قرن پنجم هجری نشان می‌دهد که در این زمان ارتفاع برخی ساختمان‌ها در شهر فسطاط به چهارده طبقه می‌رسید.^۲ بر اساس نظر ابن‌رضوان وجود این ساختمان‌های مرتفع و چندطبقه تأثیر قابل ملاحظه‌ای بر ماندگاری رطوبت، گرما و آلودگی در شهر فسطاط و به‌طور کلی ناسالم بودن آب‌وهوای این شهر داشت. زیرا وی در هنگام سخن گفتن از ارتفاع زیاد ساختمان‌های فسطاط با اشاره به نظریات برخی فیلسوفان در این باره، به تأثیرات منفی این پدیده بر وضعیت آب‌وهوایی فسطاط تأکید نموده و می‌نویسد: «کوچه‌ها و خیابان‌های فسطاط تنگ و ساختمان‌هایش مرتفع است؛ و روفس می‌گوید: چنانچه به شهری وارد شدی که کوچه‌هایی تنگ و ساختمان‌هایی بلند داشت، از آن شهر بگریز زیرا آن شهر، شهری وبا زده خواهد بود. چه بخار هوا به دلیل تنگی کوچه‌ها و ارتفاع ساختمان‌ها آنچنان که باید از آن خارج نمی‌شود».^۳ همو در موضعی دیگر بر تأثیر ساختمان‌های بلند یک ناحیه بر عدم خروج رطوبت و بخار هوا و نیز عدم گردش صحیح و مناسب باد در آن ناحیه تأکید ورزیده است.^۴ با توجه به آنچه که در مورد عدم بر خورداری طبیعی فسطاط از وزش بادهای شرقی و مدیترانه‌ای و نیز تابش مؤثر نور خورشید در این شهر گفته شد، به نظر می‌رسد وجود ساختمان‌های مرتفع در این شهر باید از عوامل مهم تشدیدکننده پدیده رکود و غلظت هوا و ماندگاری رطوبت، گرما و آلودگی در آن بوده باشد. نکته در خور توجه در این زمینه این است که نظریات مطرح شده در مورد تأثیر ارتفاع ساختمان‌ها بر آلودگی هوای فسطاط از سوی ابن‌رضوان، به میزان در خور توجهی به یافته‌های محققان و پژوهشگران امروزی در مورد تأثیر ارتفاع ساختمان‌ها بر کاهش سرعت باد و ماندگاری آلاینده‌های هوا در کلان‌شهرها نزدیک و مشابه است.^۵ علاوه بر این به نظر می‌رسد پراکنده بودن ساختمان‌های

۱ مقدسی، همان، ج ۱، ص ۲۸۱.

۲ ناصر خسرو، همان، ص ۸۹.

۳ مقریزی (۱۴۲۲ق)، همان، ج ۲، ص ۱۴۷.

۴ همان‌جا.

۵ حمیدرضا پورزمانی، فاطمه جعفری و حدیث خرمی پور (بی‌تا)، «بررسی نحوه تأثیر ساختمان‌های بلند بر آلودگی هوا»، ششمین کنفرانس بین‌المللی توسعه پایدار و عمران شهری، اصفهان: موسسه آموزش عالی دانش‌پژوهان.

فسطاط و برخوردار نبودن خیابان‌های این شهر از بافتی منظم^۱ نیز نقش مؤثری در عدم تهویه صحیح هوا، دفع گرما و آلودگی و ماندگاری چنین پدیده‌هایی در فضای شهر فسطاط ایفا می‌نمود. پدیده‌ای که در پژوهش‌های امروزی با عنوان «گسترش پراکنده و بدون مرکز» بافت شهرها از آن نام برده شده و از جمله دلایل آلودگی هوای کلان شهرها به شمار می‌رود.^۲ مضاف بر آنکه تنگی کوچه‌ها و بازارهای فسطاط نیز در کنار مجموعه عوامل فوق چون نامنظم بودن خیابان‌ها، تراکم بافت ساختمان‌ها و ارتفاع زیاد آنها در این شهر از دیگر عوامل مؤثر در ماندگاری گرما و آلودگی هوای آن به‌شمار می‌رفت. نوشته‌های ناصر خسرو حاکی از آن است که برخی کوچه‌های فسطاط به‌قدری تنگ بود که بازار سقّایانی که برای حمل و فروش آب آشامیدنی در شهر فسطاط از شتر استفاده می‌نمودند در این کوچه‌ها کساد بود زیرا عبور شتر در این گونه «کوچه‌های تنگ» ناممکن می‌نمود از این رو سقّایان ویژه‌ای برای انتقال و فروش آب در چنین کوچه‌هایی وجود داشتند که آب را در «سبوه‌های برنجین و خیک‌ها» بر پشت خود حمل نموده و به درب منازل می‌رسانیدند.^۳ همو در جای دیگر می‌نویسد: «و بازارها و کوچه‌ها در آنجاست که دائماً قنادیل سوزد چون که هیچ روشنایی در آنجا بر زمین نیفتد و رهگذر مردم باشد»^۴ که می‌تواند به‌عنوان شاهدی دیگر بر تنگی کوچه‌ها و ارتفاع ساختمان‌ها در فسطاط به‌شمار رود.

مقایسه سیستم دفع زباله در فسطاط و قاهره

نکته دیگری که در مورد دلیل آلودگی هوای فسطاط به‌ویژه انتشار بوی نامطبوع در این شهر و بیماری‌خیزی آن قابل تأمل به نظر می‌رسد، دقت در گزارش‌های مقریزی در مورد چگونگی دفع زباله در این شهر است. بر اساس گفته‌های شاهدانی چون ابن‌رضوان طیب، مردم فسطاط زباله‌هایی از جمله فضولات و لاشه حیواناتی چون گربه‌ها، پرندگان و دیگر حیوانات را در سطح این شهر و در مکان‌هایی چون بیرون درب خروجی منازل مسکونی،

۱ مقریزی، همان، ج ۲، ص ۱۵۲.

۲ مصطفی قدمی و پری‌ناز یوسفیان (۱۳۹۳)، «تحلیلی بر تغییرات ساختار فضایی شهر اصفهان با گریزی بر آلودگی هوا»، فصلنامه مطالعات برنامه‌ریزی شهری، س ۲، ش ۸، ص ۶۴. تنگی بافت خیابان‌ها و بازار و در نتیجه عدم تهویه صحیح هوا در شهری چون اهواز نیز از جمله دلایل اشاره جغرافیدانان به بدی آب و هوای چنین شهرهایی بوده است، نک: مقدسی، همان، ج ۲، ص ۶۱۳.

۳ ناصر خسرو، همان، صص ۷۹ و ۹۴.

۴ همان، ص ۹۰.

معابر، کوچه‌ها و خیابان‌ها، درون آب رود نیل و ساحل این رودخانه رها می‌کردند که این امر سبب انتشار بوی نامطبوع و زننده ناشی از تجمع و تعفن زباله‌ها در سطح آن و ایجاد عارضه‌هایی از قبیل تنگی نفس و یا ناراحتی‌های چشمی در عابریانی می‌گردید که از کوچه‌ها و خیابان‌های فسطاط عبور می‌کردند.^۱ ابن‌رضوان همچنین به دفع فضولات حیوانی در رود نیل توسط مردم شهر فسطاط و آمیخته شدن آب این رود با این فضولات و نیز لاشه و مردار حیوانات و در نهایت آلوده شدن آب آشامیدنی مردم فسطاط به‌ویژه در ایام نقصان آب رود نیل اشاره نموده است.^۲ اگرچه در گفته‌های ابن‌رضوان دلیلی برای این مسئله بیان نشده و او این مسائل را ناشی از عادات مردم فسطاط دانسته است،^۳ اما با توجه به چنین گزارش‌هایی به نظر می‌رسد شهر فسطاط فاقد سیستم بهداشتی و کارآمد دفع فاضلاب و زباله بود^۴ که تبعات بهداشتی سوئی را نظیر آنچه که مقدسی و دیگر شاهدان عینی در مورد وضعیت بهداشتی نامناسب در این شهر بیان نموده‌اند، به دنبال داشت. گزارش مقدسی مبنی بر وجود انواع حشرات موذی چون پشه و کنه در منازل مسکونی شهر فسطاط در کنار توضیحات او در مورد کدر بودن آب، غیربهداشتی بودن چاه‌ها، کثیفی خانه‌ها و یا اشاره به تعداد قابل توجه سگ در سطح این شهر و به‌طور کلی عدم ارائه تصویری مناسب از وضعیت بهداشتی فسطاط^۵ می‌تواند به‌عنوان شاهدی بر صحت این نظریه و بیانگر تبعات سوء بهداشتی عدم دفع صحیح انواع زباله در سطح آن به شمار رود. با توجه به میزان جمعیت زیاد فسطاط و تجاری بودن این شهر بزرگ^۶ می‌توان به راحتی میزان قابل توجه مواد زائد، پسماندهای غذایی و به‌طور کلی حجم قابل توجه زباله‌های ناشی از جمعیت فراوان ساکن و در حال رفت و آمد به شهر فسطاط را تخمین زد که سهم زیادی در آلوده نمودن محیط این شهر بر عهده داشت.

مطابق بررسی‌های صورت گرفته دوری از آلودگی‌های ناشی از ویژگی‌های ساختاری نامناسب فسطاط و برخورداری از شهری با زیرساخت‌های بهداشتی لازم می‌تواند از دیگر

۱ مقربزی (۱۴۲۲ق)، همان، ج ۲، صص ۱۴۷-۱۴۸، ۱۵۲ - ۱۵۳.

۲ همان، ج ۲، ص ۱۴۸.

۳ همان، ج ۲، صص ۱۴۷-۱۴۸.

۴ بر اساس گزارش یاقوت از شهر خوارزم و اشاره او به عدم برخورداری خوارزم از سیستم دفع فاضلاب بهداشتی، به نظر می‌رسد از این منظر فسطاط تا حدودی به خوارزم شبیه بود، نک: یاقوت حموی، همان، ج ۲، ص ۳۲۰.

۵ مقدسی، همان، ج ۱، ص ۲۸۵.

۶ برای بررسی تفصیلی چگونگی افزایش جمعیت فسطاط و تبدیل آن از اردوگاه نظامی به شهر تجاری و صنعتی، نک: فیروز آزادی و سید اصغر محمود آبادی (زمستان ۱۳۹۱)، «تحولات ساختار شهری فسطاط در دوره سفیانیان (۴۰ تا ۶۴ق)»، فصلنامه مطالعات تاریخ اسلام، ش ۱۵.

اهداف فاطمیان در ساخت قاهره در شمال شرقی فسطاط به‌شمار رود. بر اساس گفته‌های ابن‌رضوان «به‌طور کلی قاهره در مقایسه با فسطاط از خیابان‌ها و ساختمان‌های کمتر و کم‌ارتفاع‌تر،^۱ خنک‌تر و پاکیزه‌تری» برخوردار بود.^۲ پاکیزگی خیابان‌ها و منازل قاهره تا حدی ناظران عینی را تحت تأثیر خود قرار می‌داد که ناصر خسرو در هنگام دیدار از قاهره منازل آن را چنین توصیف کرد: «و آن سراها چنان بود، از پاکیزگی و لطافت که گویی از جواهر ساخته‌اند نه از گچ و آجر و سنگ». همو در ادامه در مورد رعایت میزان فاصله میان ساختمان‌ها و بناهای قاهره می‌نویسد: «و تمامت سراهای قاهره جدا جدا نهاده است، چنانکه درخت و عمارت هیچ آفریده بر دیوار غیری نباشد. و هر که خواهد هر گه که بایش، خانه خود باز تواند شکافت و عمارت کرد که هیچ مضرتی به دیگری نرسد».^۳ این گزارش می‌تواند به‌عنوان نشانه‌ای از وسعت خیابان‌ها و کوچه‌های قاهره در مقایسه با بازارها، خیابان‌ها و کوچه‌های تنگ و نامنظم فسطاط در نظر گرفته شود. شاید بتوان ادعا کرد رعایت چنین معیاری در ساختمان‌سازی در این شهر باعث شده بود که ساختمان‌های قاهره نسبت به فسطاط ارتفاع کمتری داشته باشند. شاید به این دلیل که قاهره در مقایسه با فسطاط شهری بود که از ابتدا برای اقامت خلیفه فاطمی و لشکریان او ساخته شده بود و مکان‌یابی^۴ و ساخت‌وساز در آن از نقشه‌ای از پیش تعیین شده تبعیت می‌نمود. ناصر خسرو در مورد وسعت خیابان‌های پیرامون قصر باشکوه فاطمیان در این شهر نیز می‌نویسد: «و قصر سلطان میان شهر قاهره است و همه حوالی آن گشاده که هیچ عمارت بدان نپیوسته است و مهندسان آن را مساحت کرده‌اند برابر شهرستان میافارقین^۵ است و گردبرگرد آن گشوده است و هر شب هزار مرد پاسبان این قصر باشند».^۶

در مورد چگونگی دفع زباله در قاهره نیز باید گفت بر اساس سخنان ابن‌رضوان به نظر می‌رسد شهر قاهره دست‌کم در مقایسه با فسطاط از سیستم مناسب و بهداشتی دفع زباله نیز

۱ ناصر خسرو در هنگام دیدار از قاهره و فسطاط بیشترین ارتفاع ساختمان‌های فسطاط را چهارده طبقه و بیشترین ارتفاع ساختمان‌های شهر قاهره را پنج و شش طبقه گزارش نموده است. نک: ناصر خسرو، همان، صص ۷۹ و ۸۹.

۲ مقریزی (۱۴۲۲ق)، همان، ج ۲، ص ۲۲۵.

۳ ناصر خسرو، همان، ص ۸۰.

۴ احمدبن علی مقریزی (۱۴۱۶ق/۱۹۹۶م)، *اتعاظ الحنفا بالآخبار الائمة الفاطميين الخلفاء*، محقق: جمال‌الدین الشیال و محمد حلمی محمد احمد، ج ۱، القاهره: المجلس الاعلی للثئون الاسلامیه، ص ۱۱۱.

۵ شهری مشهور در دیار بکر؛ نک: قزوینی، همان، ص ۶۴۵.

۶ ناصر خسرو، همان، ص ۷۷.

برخوردار بود. زیرا او در هنگام اشاره به ویژگی‌های قاهره در مقایسه با فسطاط بر این نکته تأکید ورزیده است که دلیل بهتر بودن آب‌وهوای قاهره نسبت به فسطاط این است که «بیشتر مواد متعفن و عفونی آنان (ساکنان قاهره) در بیرون شهر رها شده و بخار هوا نیز بیش از شهر فسطاط از آن خارج می‌شود».^۱ این امر به دلیل دقت فاطمیان در ایجاد شهر قاهره به عنوان پایتختی دائمی برای خود بود. فاطمیان در هنگام انتخاب مکان قاهره و ساخت آن برخلاف اعراب بانی شهر فسطاط که هیچ‌گونه تجربه‌ای در شهرسازی نداشتند، از تجربیات خود در ساخت دو پایتخت دیگر در شمال آفریقا بهره بردند. علاوه بر این، به نظر می‌رسد آنان پیش از ورود به مصر از طریق داعیان و جاسوسان دستگاه حکومتی خود در مصر، از شرایط نامطلوب زیست‌محیطی و زیربنایی فسطاط آگاه شده بودند. در نتیجه پایتخت خود را در موقعیت جغرافیایی مناسب‌تری بنا نهادند که نسبت به فسطاط از شرایط زیست‌محیطی بهتری برخوردار باشد. آنان در ساخت پایتخت خود به زیرساخت‌های اساسی شهرسازی چون میزان ارتفاع ساختمان‌ها، وسعت کوچه‌ها و خیابان‌ها و یا چگونگی دفع زباله‌ها از محیط پیرامون خود توجه کافی را مبذول داشتند. برخلاف فسطاط که به لحاظ زیست‌محیطی و کالبدی معضلات آب‌وهوایی فراوان داشت و این مسئله را می‌توان با دلایلی چون عدم تصمیم اعراب فاتح برای اسکان دائمی در این شهر در ابتدای فتح مصر و استفاده موقت از آن به‌عنوان اردوگاه نظامی و تصمیم آنان مبنی بر اسکان در شهری چون اسکندریه و سپس بازگشت به بابلون در پی تبعیت از دستور خلیفه دوم و استقرار هریک از قبایل حول خیمه عمروعاص در مکان‌هایی که در هنگام فتح بابلون بار و بنه خود را در آن نهاده بوده و در آن مستقر شده بودند توجیه نمود که در نهایت به اتصال ساختمان‌ها به یکدیگر و پدید آمدن تعجیلی و بی‌برنامه شهری به نام فسطاط منجر گردید.^۲ در عصر امویان و در ادوار پس از آن نیز ازدیاد جمعیت و «گسترش دامنه خطط و تراکم خانه‌ها و امکانات»^۳ شهری

۱ مقریزی (۱۴۲۲ق)، همان، ج ۲، ص ۲۱۲.

۲ یوسف بن تغری بردی (۱۳۹۲ق)، *النجوم الزاهرة فی ملوک مصر و القاهرة*، ج ۱، قاهره: دارالثقافة و الارشاد القومي، المؤسسة المصرية العامة، ج ۱، صص ۶۴-۶۵؛ عبدالرحمن بن ابی بکر سیوطی (۱۴۱۸ق)، *حسن المحاضرة فی اخبار مصر و القاهرة*، مصحح: منصور خلیل عمران، ج ۱، بیروت: دارالکتب العلمیه، صص ۱۰۴-۱۰۵؛ ابن رسته، همان، صص ۲۲۰-۲۳۱؛ خالدعزب، همان، صص ۷-۸؛ مقریزی (۱۴۲۲ق)، همان، ج ۲، صص ۵، ۳۰-۳۱؛ البکری، همان، ج ۲، ص ۶۰۲؛ یاقوت حموی (۱۳۸۰)، همان، ج ۲، ص ۵۰۰؛ یعقوبی، همان، صص ۱۰۹-۱۱۰؛ بلاذری، همان، ص ۲۱۰؛ قزوینی، همان، صص ۲۹۲-۲۹۳.

۳ مقریزی (۱۴۲۲ق)، همان، ج ۲، صص ۱۴۹-۱۵۰؛ خالدعزب، همان، ص ۱۹۳.

فسطاط بدون توجه حکمرانان به زیرساخت‌های لازم و شهری در عدم بهره‌وری فسطاط از زیرساخت و کالبدی منظم، بهداشتی و مناسب دخیل بوده است. همان‌گونه که بیشتر اشاره شد فسطاط در منابع شهری با آب‌وهوای آلوده، گرم، غبارآلود و کدر توصیف شده که عبور از خیابان‌های آن سبب تیره و غبارآلود شدن چهره و لباس تمیز عابران و ایجاد عارضه‌هایی چون تنگی نفس در آنان می‌شد.^۱ به نظر می‌رسد علاوه بر مواردی که در متن پژوهش به‌عنوان عوامل مؤثر بر آلودگی هوای شهر از جمله وجود غبار کدر در آن گفته شد، بخشی از این آلودگی نیز به دلیل وجود آتشدان‌های بزرگی بود که بر اساس آنچه که در اثر مقریزی ذکر شده است سبب تصاعد دود بسیار زیادی در بازارها و خیابان‌های آن می‌شد^۲ و نقش قابل ملاحظه‌ای در تولید گرما و آلودگی هوا در این شهر برعهده داشت. شاید بتوان گفت وجود این آتشدان‌ها با رونق صنایع در شهر فسطاط بی‌ارتباط نبود، زیرا همان‌گونه که بیشتر اشاره شد این شهر از دوره امویان به تدریج روند صنعتی شدن را پیمود و از حالت اردوگاهی نظامی به شهری صنعتی و تجاری تبدیل شد که در آن صنایعی چون آهنگری، مسگری، ساخت ورقه‌های فلزی و انواع ابزارهای سوارکاری مانند مهمیزها، زین و یراق بسیار فعال بود.^۳ لازمه چنین فعالیت‌هایی وجود آتشدان‌هایی در کارگاه‌های صنعتی این شهر بود که در خبری که از سوی مقریزی به دست ما رسیده است وجود این آتشدان‌ها و تصاعد دود بسیار ناشی از آنها در سطح شهر فسطاط مورد تأیید قرار گرفته است.

نتیجه‌گیری

در ابتدای پژوهش به این مسئله اشاره شد که گزارش‌های متفاوت مورخان و جغرافیدانان اسلامی از آب‌وهوای فسطاط و قاهره به این پرسش منجر گردید که با وجود مسافت اندک میان این دو پایتخت علل این تفاوت آب‌وهوایی در چه مسئله یا مسائلی خلاصه می‌شد. در ابتدای پژوهش به نظر می‌رسید که تنها عوامل زیست‌محیطی متکی بر جغرافیا عامل مؤثر در آلودگی هوای فسطاط و در نتیجه مکان‌گزینی قاهره در شمال شرقی این شهر و پاکیزگی هوای آن بود. اما به تدریج و با بررسی بیشتر منابع پژوهش به این نتیجه منجر شد که علاوه بر

۱ مقریزی (۱۴۲۲ق)، همان، ج ۲، ص ۱۴۸.

۲ همان.

۳ همان، ج ۲، ص ۲۳۰؛ خالدعزب، همان، ص ۶؛ آزادی همان، صص ۲۴-۲۶.

عوامل فوق، برخی عوامل متغیر چون جمعیت، وضعیت کالبدی و ساختاری دو شهر فسطاط و قاهره نیز در این امر دخیل بوده است. به گونه‌ای که می‌توان گرما، آلودگی و به‌طور کلی آب‌وهوای نامطبوع فسطاط در مقایسه با قاهره را به استقرار مکان این شهر در مقابل کوه المقطم، مجاورت با رود نیل و عدم بهره‌وری مناسب از بادهای موسمی شرقی و شمالی، برخورداری از جمعیت متغیر و کالبد نامناسب شهری چون ساختمان‌های بلند و متراکم و خیابان‌های نامنظم و تنگ در کنار عدم برخورداری از سیستم بهداشتی دفع فاضلاب و زباله متناسب نمود. شاید به این دلیل که سازندگان فسطاط در ابتدای عصر فتوحات هنوز تصویر کاملاً منظم و روشنی از شهر در ذهن نداشتند در حالی که پس از گذشت دو قرن قاهره با نهایت دقت در موقعیت جغرافیایی بهتر و ساختار شهری مناسب‌تر به دست فاطمیان ساخته و پرداخته شد. پیامد تفاوت‌های زیست‌محیطی و ساختاری دو شهر قاهره و فسطاط را علاوه بر بدی آب‌وهوا و بیماری‌خیز بودن فسطاط در مقایسه با قاهره، می‌توان در این نکات خلاصه نمود که فسطاط شهری تعجیلی، متزلزل و ناکارآمد بود که پس از ساخت قاهره در مجاورت آن اگرچه کماکان به صورت ظاهری به حیات خود ادامه داد، اما در واقع به ناحیه‌ای مستحیل در جغرافیای کلان‌شهر قاهره تبدیل شد. در حالی که قاهره پایتختی دارای ساختار قوی و مستحکم با فضای کالبدی برنامه‌ریزی شده و بسیار استوار بود که چنین عواملی سبب مانایی و پایداری آن در تاریخ گردید.

منابع و مأخذ

- آزادی، فیروز (۱۳۹۴)، تاریخ سیاسی اجتماعی مصر پس از اسلام از فتح اسلام تا پایان حکومت سفیانیان (۲۰-۶۴ق)، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- آزادی، فیروز و محمودآبادی، سید اصغر (زمستان ۱۳۹۱)، «تحولات ساختار شهری فسطاط در دوره سفیانیان (۴۰-۶۴ق)»، فصلنامه مطالعات تاریخ اسلام، ش ۱۵.
- آذر نیوشه، عباسعلی (تابستان ۱۳۹۲)، «جنبش شهرسازی در سده‌های نخستین خلافت اسلامی»، فصلنامه علمی پژوهشی تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، س ۴، ش ۱۱.
- ابن‌ایاس، محمدبن‌احمد (۱۹۹۵م)، نزهة الامم فی العجائب و الحکم، مصحح: محمد عزب و محمد زینهم، قاهره: مکتبة المدبولی.
- ابن‌تغری بردی، یوسف‌بن‌تغری‌بردی (۱۳۹۲ق)، النجوم الزاهرة فی ملوک مصر و القاهرة، قاهره: دار الثقافة و الارشاد القومية المؤسسة المصرية العامة.

- ابن حوقل، محمد بن حوقل (۱۹۳۸م)، صورة الارض، بیروت، دار صادر، چ ۲.
- ابن رسته، احمد بن عمر (۱۹۲۸م)، الاعلاق النفسیه، بیروت: دار صادر.
- ابن عبدالحق بغدادی، صفی الدین عبدالمومن (۱۴۱۲ق)، مرآة الاطلاع على اسماء الامکنه و البقاع، مصحح: علی محمد بجاوی، بیروت: دار الجیل.
- ابن عبدالحکم، عبدالرحمن ابن عبدالله (۱۴۱۵ق)، فتوح مصر و المغرب، مصحح: علی محمد عمر، قاهره: مکتبه الثقافة الدینیه.
- ابن فقیه، احمد بن محمد (۱۴۱۶ق)، البلدان، مصحح: یوسف الهادی، بیروت: عالم الکتب.
- ابن وردی، عمر بن مظفر (۱۴۲۸ق)، خریة العجائب و فریة الغرائب، مصحح: انور محمود زنائی، قاهره: مکتبه الثقافة الدینیه.
- ابوالفداء، اسماعیل بن علی (۲۰۰۷م)، تقویم البلدان، قاهره: مکتبه الثقافة الدینیه، چ ۱.
- احمدی پور، زهرا و قلی زاده، علی ولی (۱۳۹۰)، مبانی جغرافیایی - سیاسی مکان گزینی پایتختها در ایران، مشهد: پاپلی.
- اصطخری، ابراهیم بن محمد (۲۰۰۴م)، المسالك و الممالک، مصحح: محمد جابر عبدالعال حینی، قاهره: هیئة العامة لقصور الثقافة.
- الاستبصار فی عجایب الامصار (۱۹۸۶م)، مصحح: عبدالحمید سعد زغول، بغداد: دارالشؤون الثقافية.
- بروسوی، محمد بن علی (۱۴۲۷ق)، اوضح المسالك الی معرفة البلدان و الممالک، مصحح: مهدی عبدالرواضیه، بیروت: دارالغرب الاسلامی.
- بکری، عبدالله بن عبدالعزیز (۱۹۹۲م)، المسالك و الممالک البکری، مصحح: آدریان فان لیوفن و آندری فیری، بیروت: دارالغرب الاسلامی.
- بلاذری، احمد بن یحیی (۱۳۳۷)، فتوح البلدان، ترجمه محمد توکل، تهران: نشر نقره.
- پورزمانی، حمیدرضا؛ جعفری، فاطمه و خرمی پور، حدیث (بی تا)، «بررسی نحوه تأثیر ساختمان های بلند بر آلودگی هوا»، ششمین کنفرانس بین المللی توسعه پایدار و عمران شهری، اصفهان: مؤسسه آموزش عالی دانش پژوهان.
- حافظ ابرو، عبدالله بن لطف الله (۱۳۷۵)، جغرافیای حافظ ابرو، مصحح: صادق سجادی، تهران: میراث مکتوب.
- خالدعزب، الفسطاط (۱۴۱۸ق/۱۹۹۸م)، النشأة... الازدهار... الانحسار، القاهره: دارالافاق العربیه.
- سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر (۱۴۱۸ق)، حسن المحاضرة فی اخبار المصر و القاهره، مصحح: منصور خلیل عمران، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- شحاته ابراهیم (۲۰۰۱)، القاهره تاریخها و نشاتها، مطابع هیئة المصریه العامة للكتاب.
- شیروانی، زین العابدین ابن اسکندر (بی تا)، بستان السیاحه، تهران: سنایی.
- قدمی، مصطفی و یوسفیان، پری ناز (زمستان ۱۳۹۳)، «تحلیلی بر تغییرات ساختار فضایی شهر اصفهان با

- گریزی بر آلودگی هوا»، فصلنامه مطالعات برنامه‌ریزی شهری، س ۲، ش ۸.
- قزوینی، زکریا بن محمد (۱۳۷۳)، آثار البلاد و اخبار العباد، ترجمه جهانگیر میرزا قاجار، به کوشش هاشم محدث، تهران: امیر کبیر.
- گاستون ویت (۱۳۵۱)، قاهره شهر هنر و تجارت، ترجمه محمود محمودی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- مسعودی، ابوالحسن علی بن حسین (۱۳۶۵)، التنبيه و الاشراف، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چ ۲.
- مقدسی، محمد بن احمد (۱۳۶۱)، احسن التقاسیم، ترجمه علی نقی منزوی، تهران: شرکت مؤلفان و مترجمان.
- مقریزی، احمد بن علی (۱۴۱۶ق/۱۹۹۶م)، اتعاظ الحنفا بالاخبار الائمة الفاطميين الخلفاء، محقق: جمال الدین الشیال، محمد حلمی و محمد احمد، القاهرة: المجلس الاعلی للشئون الاسلامیه.
- ---- (۱۴۲۲ق)، المواعظ و الاعتبار فی ذکر الخطط و الآثار، مصحح: سید ایمن فواد، لندن: مؤسسة الفرقان للتراث الاسلامی.
- مهری، محمد (۱۳۳۲ق)، رحله مصر و سودان، فجاله: مطبعة الهلال.
- ممدوح عبدالرحمن الریطی (بی تا)، دور القبایل العربیه فی صعيد مصر، منذ فتح الاسلامی حتى قیام الدولة الفاطمیه و اثرها فی النواحي، قاهره: مکتبه مدبولی.
- ناصر خسرو (۱۳۸۹)، سفرنامه ناصر خسرو، تصحیح: محمد دبیر سیاقی، تهران: زوار، چ ۱۰.
- یاقوت حموی، یاقوت بن عبدالله (۱۳۸۰)، معجم البلدان، ترجمه علی نقی منزوی، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور (بزهشگاه).
- ---- (۱۹۹۵م)، معجم البلدان، بیروت: دار صادر، چ ۲.
- یعقوبی، احمد بن اسحاق (۱۳۵۶)، البلدان، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.